



جهاد (فقه)

جهاد بذل جان و مال در راه خدا در جنگ با دشمن اسلام و مسلمانان است.

فهرست مندرجات

- ۱- واژه و معنای لغوی
- ۲- معنای اصطلاحی
 - ۲.۱- معنای دیگر
- ۳- مثابه‌های جهاد
- ۴- جهاد در قرآن
 - ۴.۱- اختلاف در نسخ برخی آیت جهاد
- ۵- فضائل دنیوی و اخروی جهاد
- ۶- آثار
- ۷- کتب جهاد در کتب روایی
- ۸- جهاد در فقه
- ۹- اقسام جهاد
 - ۹.۱- جهاد ابتدایی
 - ۹.۱.۱- مشر و عیت
 - ۹.۱.۲- فقهای امامیه
 - ۹.۱.۳- فقهای اهل سنت
 - ۹.۱.۴- وجوب کفایی بودن
 - ۹.۱.۵- طرف مقابل جهاد ابتدایی
 - ۹.۱.۶- شرایط
 - ۹.۱.۷- احکام و آداب
 - ۹.۱.۸- غنیمت
 - ۹.۱.۹- اسارت
 - ۹.۱.۱۰- احکام کشته شدگان
 - ۹.۲- جهاد دفاعی
 - ۹.۲.۱- شرایط
- ۱۰- مستحبات
- ۱۱- پایان جهاد
- ۱۲- فهرست منابع
- ۱۳- پانویس
- ۱۴- منبع

واژه و معنای لغوی

جهاد، جنگ مشروع در راه خدا و عنوان یکی از ابواب فقه اسلامی جهاد واژه‌ای عربی است از ریشه چه د به معنای مشقت، تلاش، میالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن و توانایی.

[۱] کتب العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم ۱۴۰۵.

[۲] ترتیب اصلاح المنطق، چاپ محمدحسن بکائی، مشهد ۱۴۱۲.

[۳] الصالحاتاج اللغة و صحاح العربیه، چاپ احمد عبدالغفور عطار، بیروت (چاپ افست تهران ۱۳۶۸ ش).

[۴] ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ذیل «جهاد»، چاپ محمود محمد طنحلی و طاهر احمد زوی، بیروت ۱۳۸۳/۱۹۶۳، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش.

مهمترین مفهوم اصطلاحی این واژه در متون دینی، همانند کاربرد **علم** آن، گونه‌ای **خاص** از تلاش است یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود در **نبرد** با **کافران** و **باغیان**، با هدف گسترش و اعتلای **اسلام** و برپا داشتن **شعائر** یا **دفاع** از آن..

[۵] **مُحْسِنِينَ بَاقِرِ نَجْفِي، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۲۱، ص ۳، بیروت ۱۹۸۱.**

[۶] ابن عابدین، ردّ المختار علی الدر المختار، ج ۳، ص ۲۱۷، چپ سنگی مصر ۱۲۷۱-۱۲۷۲، چپ افست بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷.

[۷] **مُجِدَّ خَيْرِ هَيْكَل، الجهاد و القتال في السياسة الشرعية، ج ۱، ص ۴۴، بیروت ۱۹۹۶/۱۴۱۷.**

← معنای دیگر

در متون دینی، علاوه بر این معنای خاص و اصطلاحی، جهاد به **مفهوم لغوی** و عام خود نیز بسیار به‌کار رفته است، مانند کاربرد تعبیر «**جهاد اکبر**» در باره مجاهدت و تلاش نفس در برابر **شیطان** و **هوای نفس**.

[۸] **حزّ عاملي، وسائل الشيعه، ج ۱۵، ص ۱۶۱.**

[۹] **مُحْسِنِينَ بَاقِرِ نَجْفِي، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۲۱، ص ۳۵۰، بیروت ۱۹۸۱.**

مثابه‌های جهاد

در احادیث برخی از کارها به مثابه جهاد شمرده شده‌اند، که ظاهراً برای ارج نهادن به این کارها بوده است، مانند **امر به معروف و نهی از منکر**، سخن گفتن به **عدالت** در برابر **سلطان** ستمگر، تلاش **مرد** برای زنده کردن سنتی نیکو در **جامعه**، خوب **شوهر داری** کردن **زن** و تلاش مرد برای کسب **روزی جلال** برای **خانواده**.

[۱۰] **کَلْبِي، الكافي، ج ۴، ص ۲۵۹.**

[۱۱] **کَلْبِي، الكافي، ج ۵، ص ۹۱۰.**

[۱۲] **کَلْبِي، الكافي، ج ۵، ص ۱۲.**

[۱۳] **کَلْبِي، الكافي، ج ۵، ص ۶۰.**

[۱۴] **کَلْبِي، الكافي، ج ۵، ص ۸۸.**

[۱۵] **مُجِدَّ عَبْدِ الرَّوْفِيِّ تاج العارفين مناوی، فيض القدير: شرح الجامع الصغير، ج ۳، ص ۳۶۶، بیروت (۱۹۷۲/۱۳۹۱).**

[۱۶] **حزّ عاملي، وسائل الشيعه، ج ۱۶، ص ۳۴.**

[۱۷] **مُجِدَّ خَيْرِ هَيْكَل، الجهاد و القتال في السياسة الشرعية، ج ۱، ص ۴۶-۴۷، بیروت ۱۹۹۶/۱۴۱۷.**

[۱۸] **مُجِدَّ خَيْرِ هَيْكَل، الجهاد و القتال في السياسة الشرعية، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۰، بیروت ۱۹۹۶/۱۴۱۷.**

جهاد در قرآن

جهاد از برترین اعمال و دری از درهای **بهشت** و از ارکان مهم اسلام است و در **قرآن** و **احادیث** برای جهاد و مجاهدان فضایل بسیاری ذکر شده است.

[۱۹] **مَهْتَبُ الْاِحْكَام ج ۱۵، ص ۷۸-۷۷.**

، چون **حکم جهاد** در **منینه** تشریح شده، واژه جهاد و مشتق‌ت آن در آیت مکی در معنای عام و لغوی آن به‌کار رفته است.

[۲۰] **عنکبوت/ سوره ۲۹، آیه ۶.**

[۲۱] **عنکبوت/ سوره ۲۹، آیه ۸.**

[۲۲] **عنکبوت/ سوره ۲۹، آیه ۶۹.**

[۲۳] **لقمان/ سوره ۳۱، آیه ۱۵.**

نخستین آیه راجع به تشریح جهاد، به **جهاد دفاعی** اختصاص دارد که در سال اول هجری نازل شد و به مسلمانان اجازه داد که در برابر هجوم مشرکان به دفاع از خود بپردازند.

[۲۴] **حج/ سوره ۲۲، آیه ۳۹.**

[۲۵] **حج/ سوره ۲۲، آیه ۴۰.**

[۲۶] **علی بن احمد واحدی نیشابوری، اسباب النزول الایات، ج ۱، ص ۲۰۸، قاهره ۱۳۸۸/۱۹۶۸.**

[۲۷] **طباطبائی، المیزان، ذیل آیت.**

آیات متعددی در بسیاری از **سورهای مدنی**، به‌ویژه **بقره**، **انفال**، **آل عمران**، **توبه** و **احزاب**، به جهاد و مباحث متعلق به آن اختصاص دارد.

[۲۸] **مُجِدَّ فُؤَادِ عَبْدِ الْبَاقِي، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ذیل «جهاد»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.**

[۲۹] **مُجِدَّ فُؤَادِ عَبْدِ الْبَاقِي، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ذیل «قتل»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.**

در تحلیل این آیت نباید **شان نزول** آنها و اهداف اساسی **پیامبر اکرم** را، به‌ویژه در زمینه **فلسفه جنگ** و **صلح**، از نظر دور داشت، پس از [[**فتح مکه**]] در سال هشتم هجری، آیاتی نازل شد که به‌حسب ظاهر، بر جنگ با همه مشرکان، در هر مکان و زمان، دلالت دارد.

[۳۰] **توبه/ سوره ۹، آیه ۵.**

[۳۱] **توبه/ سوره ۹، آیه ۳۶.**

[۳۲] **توبه/ سوره ۹، آیه ۴۱.**

← اختلاف در نسخ برخی آیت جهاد

به نظر برخی از مفسران و فقها، این آیت، به‌ویژه **آیه ۵ سوره توبه**، **مشهور** به آیه «سیف».

[۳۳] ابوالقاسم خوئی، النبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۰۵، بیروت ۱۳۹۵/۱۹۷۵.

آیات دیگری را که به گونه‌ای دال بر مدارا کردن با مشرکان هستند

[۳۴] اعراف/سوره ۷، آیه ۱۹۹.

[۳۵] بقره/سوره ۲، آیه ۹۰.

[۳۶] انعام/سوره ۶، آیه ۱۱۲.

[۳۷] حجر/سوره ۱۵، آیه ۸۵.

[۳۸] زخرف/سوره ۴۳، آیه ۸۹.

نسخ کرده است.

[۳۹] ابن‌حزم، الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۰، چاپ عبدالغفار سلیمان بنداری، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶.

[۴۰] ابن‌حزم، الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۵-۳۴، چاپ عبدالغفار سلیمان بنداری، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶.

[۴۱] محمد بن حسن طوسی، التنبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۱، چاپ احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت.

[۴۲] طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۵۰.

[۴۳] طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۱۴.

[۴۴] ابن‌جوزی، نواسخ القرآن، ج ۱، ص ۲۴۲، بیروت: دار الکتب العلمیه.

[۴۵] ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۳۵۰، بیروت ۱۴۱۲.

شماری از مستشرقان نیز در موافقت با حکم نسخ گفته‌اند که تنها آیاتی که به ظاهر مسلمانان را به جهاد با مشرکان، از جمله **اهل کتاب**، در هر زمان و مکان، دعوت می‌کنند، به قوت خود باقی‌اند و بقیه آیت، که وجوب جهاد را منوط به وجود شرایط خاصی مانند فتنه‌انگیزی دشمنان کرده‌اند، **منسوخ** شده‌اند.

در برابر، مخالفان نسخ بر آن‌اند که با توجه به قواعد نسخ آیت **قرآن** و تاریخ و شأن نزول آیت موردنظر، امکان نسخ آنها وجود ندارد

[۴۶] عبدالرحمن بن ابی‌بکر سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۹، بیروت: دار المعرفه.

[۴۷] محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم المشتهر باسم تفسیر المنار، (تقریرات درس شیخ محمد عبده)، ج ۲، ص ۲۱۵، مصر ۱۳۶۷.

[۴۸] ابوالقاسم خوئی، النبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۰۵، بیروت ۱۳۹۵/۱۹۷۵.

[۴۹] ابوالقاسم خوئی، النبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۵۳، بیروت ۱۳۹۵/۱۹۷۵.

[۵۰] طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۳۴۴.

[۵۱] حجر/سوره ۱۵، آیه ۸۵.

[۵۲] وهبه مصطفی زحیلی، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۲۰، دمشق ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

فضائل دنیوی و اخروی جهاد

در آیت و احادیث فضائل دنیوی و اخروی جهاد مطرح شده است. به موجب آیت قرآن،

[۵۳] نساء/سوره ۴، آیه ۹۵.

[۵۴] عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۶۹.

[۵۵] توبه/سوره ۹، آیه ۲۰.

کسانی که جان و مالشان را در راه خدا فدا کنند در درگاه الاهی از دیگر مسلمانان برترند و خداوند به آنها مژده **بهشت** و دستیابی به **مقام شهادت** داده است.

[۵۶] توبه/سوره ۹، آیه ۲۱.

[۵۷] آل‌عمران/سوره ۳، آیه ۱۶۹.

قرآن کریم

[۵۸] توبه/سوره ۹، آیه ۲۴.

مهمترین مانع انسان برای جهاد را وابستگی به خانواده، مال و خانمان شمرده است. همچنین کسانی را که از جهاد رویگردانند فاسق خوانده و به آنها کیفر الاهی را وعید داده است. بنابر **قرآن**، پیروزی تنها به دست خداست

[۵۹] آل‌عمران/سوره ۳، آیه ۱۲۶.

[۶۰] انفال/سوره ۸، آیه ۱۰.

و پیروی از فرمان **خدا** و **پیامبر اکرم**، دوری از نزاع و تفرقه، صبر و استقامت و فرار نکردن از دشمن، از مهمترین احکام جهاد به‌شمار رفته است.

[۶۱] انفال/سوره ۸، آیه ۱۵۱.

[۶۲] انفال/سوره ۸، آیه ۴۴۶.

به‌موجب آیت قرآن،

[۶۳] انفال/سوره ۸، آیه ۶۵-۶۶.

[۶۴] آل‌عمران/سوره ۳، آیه ۱۲۳-۱۲۵.

مجاهدان به میزان **صبر** و استقامت خود از امدادهای غیبی برخوردار می‌شوند.

[۶۵] احزاب/سوره ۳۳، آیه ۹-۱۰.

[۶۶] توبه/سوره ۹، آیه ۲۶.

از جمله امدادهای غیبی الاهی، آرامش بخشیدن به مجاهدان و افکندن ترس و وحشت در دل کافران است.

[۶۷] آل‌عمران/سوره ۳، آیه ۱۲۶.

[۶۸] انفال/سوره ۸، آیه ۱۲.

[۶۹] احزاب/سوره ۳۳، آیه ۲۶.

بنا بر احادیث، جهاد در راه خدا از برترین کارهاست و پاداش اخروی مجاهد **شهید** چنان است که وی نیل به جهاد و شهادت را دوباره آرزو می‌کند.

[۷۰] ابن‌حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۴، بیروت: دار صادر.

[۷۱] ابن‌حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۲۶، بیروت: دار صادر..

[۷۲] محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۲، چاپ محمد ذهنی افندی، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

[۷۳] محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۵، چاپ محمد ذهنی افندی، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

[۷۴] مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۸۸، چاپ محمد فؤاد عبدالباقی، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

[۷۵] مالک بن انس، الموطأ، ج ۲، ص ۴۴۳-۴۴۵، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

[۷۶] کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲.

[۷۷] کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴.

[۷۸] کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳.

آثار

به سبب اهمیت و جایگاه مهم جهاد در اسلام، آثار بسیاری در باره آن تدوین شده است.

[۷۹] حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج ۱، ستون ۵۶.

[۸۰] اسماعیل بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۱، ستون ۲۵۱، در حاجی خلیفه، ج ۳.

[۸۱] اسماعیل بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۱، ستون ۲۸۲، در حاجی خلیفه، ج ۳.

[۸۲] اسماعیل بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، ستون ۱۹۶، در حاجی خلیفه، ج ۳.

[۸۳] اسماعیل بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲-۱، در حاجی خلیفه، ج ۳.

[۸۴] اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ستون ۱۹۲، در حاجی خلیفه، ج ۵.

[۸۵] اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ستون ۲۶۴، در حاجی خلیفه، ج ۵.

[۸۶] اسماعیل بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، ستون ۱۲۳، در حاجی خلیفه، ج ۳.

کتاب جهاد در کتب روایی

همچنین در منابع جامع حدیثی و فقهی همواره بخشی با عنوان کتب «جهاد» یا «سیر» به احکام جهاد اختصاص داشته است. مهم‌ترین موضوعات این مبحث عبارت‌اند از: بالا بردن آمادگی رزمی مجاهدان، شرایط و وجوب جهاد بر مؤمنان، اقسام جهاد، احکام مربوط به میدان جنگ مانند شیوه مبارزه و چگونگی رفتار با نظامیان، کشته شدن، اسرا و بازماندگان (جنگ، اسارت)، تقسیم غنایم (غنیمت) و خاتمه دادن به جهاد.

[۸۷] <http://lib.eshia.ir/110191/349> / الغزو زیدین علی (ع)، مسند الامام زید، ج ۱، ص ۳۴۹-۳۶۲، بیروت: دارمکتبه الحیاه.

[۸۸] محمدین اندریس شافعی، الأم، ج ۴، ص ۳۱۳-۱۶۷، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

[۸۹] عبدالسلامین سعید سحنون، المدونه الکبری، ج ۲، ص ۵۰-۲، التي رواها سحنون بن سعید تنوخی عن عبدالرحمن بن قاسم عقی عن مالکین انس، قاهره ۱۳۲۳، (چاپ افست بیروت).

[۹۰] مسلمین حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۳۵۶-۱۴۵۰، چاپ محمد فؤاد عبدالباقی، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

[۹۱] کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۵۵.

[۹۲] محمدین حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲۷۵، ج ۲، چاپ محمدتقی کتفی، تهران ۱۳۸۷.

[۹۳] ابن‌حزم، المحلی، ج ۷، ص ۲۹۱-۳۵۴، چاپ احمد محمدشاکر، بیروت دارالافق الجدید.

[۹۴] محمدین احمد شمس‌الانامه سرخسی، کتب المبسوط، ج ۱۰، ص ۱۴۴-۲، قاهره ۱۳۲۴-۱۳۳۱، چاپ افست استانبول ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

[۹۵] ابن‌قده، المغنی، ج ۱۰، ص ۳۶۴-۶۳۵، بیروت: دارالکتب العربی.

«ربط» یا «مربط» (مرزبانی) نیز موضوعی مرتبط با جهاد و در برخی موارد - بر پایه احادیث - از مصادیق آن است.

[۹۶] حسن‌بن یوسف علامه حلی، تکره الفقهاء، ج ۹، ص ۴۵۱، قم ۱۴۱۴.

[۹۷] محمد عبدالرووفین تاج‌العارفین مناوی، فیض القدیر: شرح الجامع الصغیر، ج ۴، ص ۱۸، بیروت ۱۳۹۱/۱۹۷۲.

نگارش کتب‌هایی با عنوان «السیر» مانند السیر اوزاعی (متوفی ۱۵۷) و السیر الصغیر و السیر الکبیر محمدین حسن شیبانی (متوفی ۱۸۹) نیز، که بیانگر روش برخورد مسلمانان با غیرمسلمانان در زمان جنگ و صلح است، در میان فقهای متقدم، به‌ویژه اهل سنت، متداول بود. السیر الکبیر شیبانی به‌دلیل قیمت و جامعیت مباحث، اهمیت بسیاری دارد و شروع متعددی بر آن نوشته شده است. حکومت عثمانی این کتاب را به مثابه قانون روابط بین‌الملل می‌دانست.

[۹۸] محمدین احمد شمس‌الانامه سرخسی، شرح کتاب السیر الکبیر، ج ۱، مقدمه منجد، ص ۱۴، چاپ صلاح‌الدین منجد، قاهره ۱۹۷۱.

[۹۹] محمدین احمد شمس‌الانامه سرخسی، کتب المبسوط، ج ۱۰، ص ۲، قاهره ۱۳۲۴-۱۳۳۱، چاپ افست استانبول ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

کتاب فقه سیاسی، مانند الاحکام السلطانیة ماوردی و کتاب الخراج قاضی ابو یوسف (متوفی ۱۸۳)، نیز بخشی را به احکام جهاد اختصاص داده‌اند.

[۱۰۰] احمدین علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر ب رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۵۲، چاپ موسی شیبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.

[۱۰۱] احمدین علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر ب رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۵۴، چاپ موسی شیبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.

[۱۰۲] احمدین علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر ب رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۷۵، چاپ موسی شیبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.

[۱۰۳] احمدین علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر ب رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۸۸، چاپ موسی شیبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.

[۱۰۴] اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ستون ۵، در حاجی خلیفه، ج ۵.

[۱۰۵] اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ستون ۶۸، در حاجی خلیفه، ج ۵.

[۱۰۶] اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ستون ۲۴۸، در حاجی خلیفه، ج ۵.

[۱۰۷] اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ستون ۴۳۸، در حاجی خلیفه، ج ۵.

[۱۰۸] اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ستون ۵۸۹، در حاجی خلیفه، ج ۵.

[۱۰۹] اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ستون ۶۱۸، در حاجی خلیفه، ج ۵.

[۱۱۰] اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ستون ۷۰۶، در حاجی خلیفه، ج ۵.

[۱۱۱] اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۲، ستون ۲۴، در حاجی خلیفه، ج ۵.

[۱۱۲] اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۲، ستون ۵۲، در حاجی خلیفه، ج ۵.

در منابع جامع فقه شیعه، گاه مباحث مربوط به جهاد در ضمن مباحث دیگر، مانند حدود و امر به معروف و نهی از منکر، مطرح شده است.

[۱۱۳] محمد بن محمد مفید، المقنع، ج ۱، ص ۸۱۰، ۸۱۲، ق ۱۴۱۰.

، همچنین برخی از فتاوی جهادی علمای شیعه، به خصوص در مواجهه با هجوم استعمارگران، از جمله در جنگ‌های ایران و روسیه در قرن سیزدهم، که نقش عمده‌ای در دفاع از سرزمین‌های اسلامی داشته، در مجموعه‌هایی گردآوری شده است.

[۱۱۴] عیسی‌بن حسن میرزا بزرگ قائم مقام، احکام جهاد و اسباب الرشاد، ج ۱، ص ۶۲، چاپ غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران ۱۳۸۰ ش.

[۱۱۵] عیسی‌بن حسن میرزا بزرگ قائم مقام، احکام جهاد و اسباب الرشاد، ج ۱، ص ۷۴، چاپ غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران ۱۳۸۰ ش.

[۱۱۶] عیسی‌بن حسن میرزا بزرگ قائم مقام، احکام جهاد و اسباب الرشاد، ج ۱، ص ۷۶، چاپ غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران ۱۳۸۰ ش.

[۱۱۷] رسایل و فتاوی جهادی، تنوین، ج ۱، ص ۲۰-۳۵۱، تحقیق و تحشیه از محمدحسن رجبی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، ۱۳۷۸ ش.

در پاره‌ای مقاطع تاریخی دعوت به جهاد در میان علمای اهل سنت نیز دیده می‌شود، مانند تشویق ابن عساکر (متوفی ۵۷۱) به جهاد در جریان جنگ‌های صلیبی، با گردآوری چهل حدیث در این باره.

[۱۱۸] احمد عبدالکریم حلوانی، ابن‌عساکر و دوره فی‌الجهاد ضدالصلیبیین فی عهد الدولتین النوریه و الایوبیه، ج ۱، ص ۱۳۱۱، دمشق ۱۹۹۱.

اقسام جهاد

فقه‌ها در کتاب‌هایشان جهاد را به دو قسم ابتدایی و دفاعی تقسیم کرده‌اند.

[۱۱۹] ابن حمزة الطوسی، الوسيلة، ج ۱، ص ۱۹۹.

[۱۲۰] الجامع للشرایع ص ۲۳۳.

[۱۲۱] تنکرة الفقهاء ج ۹، ص ۱۹-۲۰.

[۱۲۲] الروضة البهیة ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲.

[۱۲۳] مسالك الافهام ج ۳، ص ۸-۷.

[۱۲۴] الحدائق الناضرة ج ۳، ص ۴۱۵.

[۱۲۵] حسینعلی منتظری، در است‌فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۱۵، ق ۱۴۰۹، ۱۴۱۱.

البته این تقسیم‌بندی در کتاب‌های فقهی متقدم صریحاً ذکر نشده و آنان معمولاً احکام جهاد ابتدایی را به گونه‌ای مبسوط و احکام جهاد دفاعی را به‌طور ضمنی بیان کرده‌اند.

[۱۲۶] محمد بن ادریس شافعی، الأم، ج ۴، ص ۱۷۰، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳.

[۱۲۷] کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۲۳.

[۱۲۸] محمد بن احمد شمس‌الائمه سرخسی، شرح کتاب السیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۸۹، چاپ صلاح‌الدین منجد، قاهره ۱۹۷۱.

، و برخی، نام جهاد بر قسم دوم نهاده را مجاز دانسته و گفته‌اند: جهاد ثابت در شرع که دارای احکامی ویژه است، همان جهاد ابتدایی است و قسم دوم از اقسام دفاع است.

[۱۲۹] سداد العباد ص ۴۰۹.

← جهاد ابتدایی

جهاد ابتدایی به معنای جنگ با مشرکین و کفار برای دعوت آنان به اسلام و توحید و برقراری عدالت است. در این نوع از جهاد، که مسلمانان آغازگر نبردند، هدف، از بین بردن سیطره کفر و فراهم آوردن امکان گسترش دین الهی است.

[۱۳۰] بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۳.

[۱۳۱] انفال/سوره ۸، آیه ۳۹.

[۱۳۲] احمد بن علی جصاص، احکام القرآن، ج ۳، ص ۶۵، چاپ عبدالسلام محمدعلی شاهین، بیروت ۱۹۹۴/۱۴۱۵.

[۱۳۳] محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ذیل بقره ۱۹۳، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵.

[۱۳۴] طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۶۳.

← مشروعیّت

← فقهای امامیه

بیشتر فقیهان امامی وجوب جهاد ابتدایی و حتی مشروعیّت آن را منوط به موافقت و اجازه امام معصوم یا نایب او می‌دانند.

[۱۳۵] کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۳.

[۱۳۶] محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۸، چاپ محمدتقی کشفی، تهران ۱۳۸۷.

[۱۳۷] محمد بن حسن طوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، ج ۱، ص ۲۹۰، تهران ۱۴۰۰.

[۱۳۸] زین‌الدین بن علی شهیدثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۹، ق ۱۴۱۳۱۴۱۹.

[۱۳۹] محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۱۱، بیروت ۱۹۸۱.

مراد این فقها از نایب امام، نایب خاص است و شامل نایبان عام امام (فقها) در عصر غیبت نمی‌شود،

[۱۴۰] زین‌الدین بن علی شهیدثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۹، ق ۱۴۱۳۱۴۱۹.

[۱۴۱] محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۱۱، بیروت ۱۹۸۱.

اما به نظر برخی دیگر، اجازه امام معصوم یا نایب خاص او برای جهاد لازم نیست و حتی نایب عام او نیز می‌تواند برای بسط توحید و عدل و جلوگیری از ظلم و استبداد ظالمان و

حمایت از مظلومان، به حکم عقل به جهاد ابتدایی روی آورد.

- [۱۴۱] ابوالقاسم خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۶۶، قم ۱۴۱۰.
- [۱۴۲] حسینعلی منتظری، در اسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۱۵، قم ۱۴۰۹/۱۴۱۱.
- [۱۴۳] علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، لجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۳۳۱، کویت ۱۴۱۵/۱۹۹۹.
- [۱۴۴] عیسی بن حسن میرزا بزرگ قائم مقام، احکام جهاد و اسباب الرشاد، ج ۱، ص ۶۶، چاپ غلامحسین زرگری نژاد، تهران ۱۳۸۰ ش. به نظر این فقها **اجماع** مورد ادعا در این زمینه، مناقشه پذیر است و تعبیر «**امام عادل**» در احادیث جهاد بمعنای امام معصوم نیست.
- [۱۴۵] حسینعلی منتظری، در اسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۱۸، قم ۱۴۰۹/۱۴۱۱.

← فقهای اهل سنت

- فقهای اهل سنت **جهاد ابتدایی** را در صورت وجود **مصلحت اسلام** و مسلمانان در آن - که **حاکم**، چه عادل چه فاسق، آن را تشخیص می‌دهد - **واجب** دانسته‌اند.
- [۱۴۷] احمدین علی جصاص، احکام القرآن، ج ۳، ص ۱۵۴، چاپ عبدالسلام محمدعلی شاهین، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۴.
- [۱۴۸] محمد بن احمد شمس الانامه سرخسی، شرح کتب السیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۵۷، چاپ صلاح الدین منجد، قاهره ۱۹۷۱.
- [۱۴۹] ابن قدامه، المغنی، ج ۱۰، ص ۳۷۱، بیروت: دار الکتب العربی.
- [۱۵۰] محمد شوکانی، نیل الاوطار: شرح منتهی الاخبار من احادیث سیدالاکخیار، ج ۷، ص ۲۴۲-۲۴۳، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی (چاپ افست بیروت). به نظر آنان، اطاعت از حاکم در امر جهاد مانند نمازهای پنجگانه واجب است.
- [۱۵۱] محمد نجیب مطیعی، التکمله الثانیه، المجموع شرح المهذب، در یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المهذب، ج ۱۹، ص ۲۶۹، بیروت: دار الفکر.
- [۱۵۲] عبدالحمید شروانی، حاشیه العلامة الشیخ عبدالحمید الشروانی، در حواشی الشروانی و ابن قاسم العابدی علی تحفه المحتاج بشرح المنهاج، ج ۹، ص ۲۳۷، چاپ سنگی مصر ۱۳۱۵، چاپ افست بیروت (دار احیاء التراث العربی).

از دیدگاه برخی مؤلفان مسلمان، وجوب جهاد به معنای وجود تقابل همیشگی میان مسلمانان و غیرمسلمانان نیست، بلکه جهاد به منزله آخرین رامل برای تثبیت مصالح اسلام و مسلمانان است.

- [۱۵۳] وهبه مصطفی زحیلی، ج ۱، ص ۹۰، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
- [۱۵۴] وهبه مصطفی زحیلی، ج ۱، ص ۹۷، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
- پیش از آغاز جهاد، لازم است که طرف مقابل را به اسلام و تعالیم الهی آن و رها کردن کفر و عصیان در برابر **خدا** و زیرپا نگذاشتن حقوق انسان‌ها دعوت کرد و ابتدا باید به مناطق نزدیکتر به **سرزمین اسلامی** پرداخت
- [۱۵۵] محمد ادریس شافعی، الأم، ج ۴، ص ۱۷۷، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
- [۱۵۶] محمد نجیب مطیعی، التکمله الثانیه، المجموع شرح المهذب، در یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المهذب، ج ۱۹، ص ۲۸۵-۲۸۷، بیروت: دار الفکر.
- [۱۵۷] محمد بن حسن فخر المحققین، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، ج ۱، ص ۳۵۴، چاپ حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهاردی، و عبدالرحیم بروجردی، قم ۱۳۸۷/۱۳۸۹، چاپ افست ۱۳۶۳ ش.
- [۱۵۸] محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۵۱، بیروت ۱۹۸۱.
- [۱۵۹] ابوالقاسم خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۶۹، قم ۱۴۱۰.
- ، به نظر برخی فقها، به استناد سیره پیامبر اکرم، در صورت وجود شرایط مناسب و آمادگی سپاه اسلام برای جهاد، انجام دادن آن حداقل یکبار در هر سال **واجب** است
- [۱۶۰] محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۱۰، چاپ محمدتقی کشفی، تهران ۱۳۸۷.
- [۱۶۱] ابن قدامه، المغنی، ج ۱۰، ص ۳۶۸-۳۶۷، بیروت: دارالکتب العربی.
- [۱۶۲] محمد نجیب مطیعی، التکمله الثانیه، المجموع شرح المهذب، در یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المهذب، ج ۱۹، ص ۲۶۶، بیروت: دار الفکر.
- [۱۶۳] حسن بن یوسف علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۷۷، قم ۱۴۱۳/۱۴۱۹.
- [۱۶۴] محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۴۹، بیروت ۱۹۸۱.
- فرار از میدان نبرد جایز نیست، مگر در موارد استثنایی.
- [۱۶۵] محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۷۳، بیروت ۱۹۸۱.
- [۱۶۶] ابوالقاسم خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۷۱، قم ۱۴۱۰.

← وجوب کفایی بودن

به نظر **مشهور** در فقه اسلامی، جهاد ابتدایی با فراهم آمدن شرایط آن **واجب کفایی** است؛ بدین معنا که تا زمان نیاز جبهه نبرد به نیرو، بر همه واجدان شرایط **واجب** است در آن حضور یابند و با حضور نیرو به مقدار کفایت، جهاد بر دیگران واجب نخواهد بود،

- [۱۶۷] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۵.
- [۱۶۸] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۹-۱۰.
- مگر آنکه **امام** علیه السلام حاکم به دلایل خاصی افراد معینی را فرا بخواند، که در این صورت حضور آنان **واجب عینی** خواهد بود.
- [۱۶۹] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۴.

پس از حضور در صحنه جنگ و رویارویی دو طرف، جهاد واجب عینی است و انصراف از آن حرام است.

- [۱۷۰] محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲، چاپ محمدتقی کشفی، تهران ۱۳۸۷.
- [۱۷۱] محمد نجیب مطیعی، التکمله الثانیه، المجموع شرح المهذب، در یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المهذب، ج ۱۹، ص ۲۶۷، بیروت: دار الفکر.
- [۱۷۲] محمد نجیب مطیعی، التکمله الثانیه، المجموع شرح المهذب، در یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المهذب، ج ۱۹، ص ۲۷۷، بیروت: دار الفکر.
- [۱۷۳] حسن بن یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۸، قم ۱۴۱۴.
- [۱۷۴] ابن قدامه، المغنی، ج ۱۰، ص ۳۶۴، بیروت: دارالکتب العربی.

← طرف مقابل جهاد ابتدایی

جهاد ابتدایی در برابر سه گروه واجب است: کافران **غیر نفعی**، اعم از **اهل کتلب** و غیر اهل کتلب؛ کفار نفعی که شرایط **نمّه** را ندیده گرفته‌اند و باغیان. [\[۱۷۵\]](#) **جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۴۶.**

جهاد با **کفار** غیر کتابی با هدف دعوت به اسلام انجام می‌گیرد. آنان تنها دو راه در پیش دارند: پذیرش آیین اسلام یا تن دادن به جنگ. جهاد با **کفار** کتابی غیر نفعی یا نفعی که پیمان نمّه را نقض کرده باشند برای پذیرش اسلام و یا تن دادن به پیمان نمّه و پرداخت **جزیه** است. بر نتیجه آنان یکی از سه راه را باید برگزینند: گرویدن به اسلام، باقی ماندن بر آیین خود و پرداخت جزیه و یا تن دادن به جنگ. جهاد با باغیان به جهت نقض پیمان و خروج آنان از **بیعت** با **امام** علیه السلام و وادار کردن ایشان به بیعت مجدد است.

[\[۱۷۶\]](#) **کشف الرموز ج ۱، ص ۴۱۸-۴۲۲.**

[\[۱۷۷\]](#) **المهذب البارع ج ۲، ص ۳۰۰-۳۱۰.**

[\[۱۷۸\]](#) **ریاض المسائل ج ۷، ص ۴۵۶.**

← شرایط

وجوب جهاد ابتدایی منوط به تحقق این شرایط است: **بلوغ**، **عقل**، آزاد بودن (**حریت**)، **مرد** بودن و معذور نبودن. بنابراین، جهاد ابتدایی بر **نابالغ**، **دیوانه**، **برده**، **زن**، **بیر مرد** و معذور از شرکت در امر جهاد، مانند **کور**، **زمن گیر**، **بیمار** ناتوان از سوار شدن بر مرکب و دویدن و همچنین **فقیر** ناتوان از تأمین مخارج خانواده خویش و نیز هزینه‌های راه و تهیه سلاح، **واجب** نیست.

[\[۱۷۹\]](#) **جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۹-۵.**

[\[۱۸۰\]](#) **محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲، چاپ محدثی کشفی، تهران ۱۳۸۷.**

[\[۱۸۱\]](#) **محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۴۵، چاپ محدثی کشفی، تهران ۱۳۸۷.**

[\[۱۸۲\]](#) **ابن‌قدامة، المغنی، ج ۱۰، ص ۳۶۶-۳۶۷، بیروت: دار الکتب العربی.**

[\[۱۸۳\]](#) **محمد نجیب مطیعی، التکمله الثانیه، المجموع شرح المهذب، در یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المهذب، ج ۱۹، ص ۲۷۰-۲۷۲، بیروت: دار الفکر.**

[\[۱۸۴\]](#) **ابو القاسم خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۶۳-۳۶۴، قم ۱۴۱۰.**

همچنین جهاد از عهده کسی که پدر و مادرش راضی به شرکت کردن او در جهاد نیست، برداشته شده است، مگر آنکه جهاد برای او **واجب عینی** باشد. فقها در باره ضرورت اجازه گرفتن از **پدر** و **مادر** **مشرب**، و نیز **اجداد** خود و نیز در باره لزوم اجازه گرفتن از **طلبکار** برای عزیمت به جهاد اختلاف نظر دارند.

[\[۱۸۵\]](#) **محمد نجیب مطیعی، التکمله الثانیه، المجموع شرح المهذب، در یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المهذب، ج ۱۹، ص ۲۷۴-۲۷۶، بیروت: دار الفکر.**

[\[۱۸۶\]](#) **حسن بن یوسف علامه حلی، تنکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۲۷-۳۳، قم ۱۴۱۴.**

[\[۱۸۷\]](#) **محمد حسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۲۱۲۶، بیروت ۱۹۸۱.**

[\[۱۸۸\]](#) **ابو القاسم خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۶۷-۳۶۸، قم ۱۴۱۰.**

همچنین در باره **اجیر** گرفتن و نیز قرارداد دادن **جعله** برای جهاد اختلاف نظر وجود دارد.

[\[۱۸۹\]](#) **محمد نجیب مطیعی، التکمله الثانیه، المجموع شرح المهذب، در یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المهذب، ج ۱۹، ص ۲۸۰، بیروت: دار الفکر.**

[\[۱۹۰\]](#) **حسن بن یوسف علامه حلی، تنکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۵۴۵۷، قم ۱۴۱۴.**

علاوه بر شرایط یاد شده، شرط وجوب، بلکه مشروعیت جهاد ابتدایی، **حضور امام** علیه السلام و حاکمیت وی، یا نایب خاص ایشان است. بنابراین، این، جهاد ابتدایی در **عصر غیبت** مشروعیت ندارد.

[\[۱۹۱\]](#) **جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۳-۱۴.**

لیکن برخی معاصران قائل به **جواز** آن با وجود **فقیه جامع شرایط** و حاکمیت وی شده‌اند.

[\[۱۹۲\]](#) **صراط النجاة ج ۳، ص ۳۵۹.**

[\[۱۹۳\]](#) **اجوبة الاستفتاءات ج ۱، ص ۳۳۱.**

← احکام و آداب

جنگ در **ماه‌های حرام** (**رجب**، **ذیقعدة**، **ذیحجه**، محرم) نزد عرب قبل از **اسلام**، ممنوع بود و اسلام نیز آن را تأیید کرد و فقها به استناد آیت قرآن، از جمله آیه ۲۱۷ **بقره** و ۵ **توبه**، قائل به **حرمت** جهاد در این ماهها شده‌اند.

[\[۱۹۴\]](#) **محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۳، چاپ محدثی کشفی، تهران ۱۳۸۷.**

[\[۱۹۵\]](#) **محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ذیل بقره ۹۰، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.**

[\[۱۹۶\]](#) **ابو القاسم خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۶۸، قم ۱۴۱۰.**

البته به نظر برخی از فقهای اهل سنت حرمت کارزار در ماه‌های حرام **نسخ** شده و جهاد در همه مکان‌ها و زمان‌ها **جایز** است.

[\[۱۹۷\]](#) **احمد بن علی جصاص، احکام القرآن، ج ۱، ص ۳۹۰، چاپ عبدالسلام محمدعلی شاهین، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۴.**

[\[۱۹۸\]](#) **محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۳۵۱، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.**

همچنین فقها جهاد را در منطقه **حرم** (محدوده خاصی که شهر **مکه** جزو آن است) **حرام** دانسته‌اند مگر آنکه دشمن در این منطقه اقدام به **پیکار** کند.

[\[۱۹۹\]](#) **ابن جوزی، نواسخ القرآن، ج ۱، ص ۷۲-۷۴، بیروت: دار الکتب العلمیه.**

[\[۲۰۰\]](#) **حسن بن یوسف علامه حلی، تنکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۹، قم ۱۴۱۴.**

[\[۲۰۱\]](#) **ابو القاسم خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۶۹، قم ۱۴۱۰.**

[\[۲۰۲\]](#) **جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۳۲-۳۴.**

بنابیه قولی، جهاد ابتدایی در **سال**، بیش از یک بار **واجب** نیست.

[\[۲۰۳\]](#) **جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۴۹.**

فرار از جنگ **حرام**، بلکه از **گناهای کبیره**

[\[۲۰۴\]](#) **جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۵۶.**

است، مگر آنکه شمار **مسلمانان** کمتر از نصف نیروهای دشمن باشد، که در این صورت مقاومت در برابر آنها **واجب** نیست.
[\[۲۰۵\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۶۱.](#)

هنگامی که شمار نیروهای **اسلام** **انک** و **سپاه** دشمن زیاد باشد، بر **امام** **واجب** است تا رسیدن نیرو به **حد** **نصیب** صبر کند.
[\[۲۰۶\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۵۰.](#)

بر **امام** علیه السلام با منصوب از جانب ایشان واجب است قبل از آغاز به جنگ، **کفار** را به **اسلام** (**شهادت** به **توحید** و **رسالت** پیامبر صلی الله علیه و آله و لوازم آن از اصول و فروع **دین**) فراخواند، مگر آنکه پیش از آن، دعوت به آنان رسیده باشد، که در این صورت تکرار دعوت **مستحب** است.
[\[۲۰۷\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۵۱-۵۴.](#)

مستحب است آغاز جنگ پس از اقامه نماز **ظهر** و **عصر** باشد و شروع آن قبل از **زوال** و نیز یورش شبانه جز در حال ضرورت **مکروه** است.
[\[۲۰۸\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۸۱-۸۲.](#)

مبارز طلبیدن بدون **ان** **امام** علیه السلام بنا بر قوی **مکروه** است. برخی آن را **حرام** دانسته‌اند؛ لیکن با منع **امام** علیه السلام شکی در **حرمت** آن نیست. مبارزه کردن با دعوت امام علیه السلام، **مستحب**، و با الزام به آن، **واجب** است.
[\[۲۰۹\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۸۵-۸۶.](#)

جنگیدن با دشمن با هر نوع **سلاح** و با هر کیفیتی که منجر به پیروزی گردد **جایز** است؛ لیکن قطع کردن **درختان**، پرتاب **آتش** و گسیل کردن **آب** به سوی دشمن جز در حال ضرورت **مکروه** است. در حرمت ریختن سم بر دشمن یا **کراهت** آن در غیر حال ضرورت اختلاف است.
[\[۲۱۰\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۶۶-۶۸.](#)

[\[۲۱۱\] اشارة السبق ص ۱۴۳.](#)

[\[۲۱۲\] اصباح الشیعة ص ۱۸۹.](#)

برخی، بریدن درختان، خراب کردن دژها و به کارگیری **منجنیق** را تنها در صورت توقف پیروزی بر آن **جایز** دانسته‌اند.
[\[۲۱۳\] الروضة البهیة ج ۲، ص ۳۹۲.](#)

کشتن **زن**، **کودکان**، دیوانگان و نیز ناتوانان از جنگیدن، مانند افراد **بیر**، **نابینا** و **زمین‌گیر** در صورتی که از فکر و نظر آنان در جنگ استفاده نشود، **حرام** است، مگر در حال ضرورت، مانند آنکه کفار از وجود آنان به عنوان سپر استفاده کنند یا چیره شدن بر دشمن منوط به کشتن ایشان باشد.
[\[۲۱۴\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۶۸.](#)

[\[۲۱۵\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۷۳-۷۷.](#)

مثله کردن دشمن به بریدن گوش‌ها، **بینی** و سایر اعضا **حرام** است.

[\[۲۱۶\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۷۷-۷۸.](#)

خدعه در جنگ، جز در صورتی که دشمن **امان** داشته باشد، **جایز** است.

[\[۲۱۷\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۷۸-۷۹.](#)

پی‌کردن مرکب **مسلمان** **مکروه** است؛ لیکن پی کردن مرکب **کافر** بنا به تصریح برخی **کراهت** ندارد.

[\[۲۱۸\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۸۲-۸۵.](#)

باری گرفتن از کفار در جنگ در صورتی که مصلحت اقتضا کند و **خیانت** پیشه نباشند **جایز** است.

[\[۲۱۹\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۹۳-۱۹۴.](#)

تحریف و تحیز در جنگ **فرار** به شمار نمی‌رود و جایز است.

قرار دادن حق **جعله** از سوی **فرمانده لشکر** برای کسی که سپاه اسلام را در پیشبرد جنگ و کسب پیروزی یاری رساند، جایز است، مانند آنکه بگوید: هرکس ما را در گشودن در **دژ** دشمن راهنمایی کند، فلان مبلغ به او می‌دهم.

[\[۲۲۰\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۱۷-۱۱۸.](#)

طاعت از فرمانده بر رزمندگان **واجب** است.

[\[۲۲۱\] کشف الغطاء ج ۴، ص ۳۷۳.](#)

پوشیدن **لباس** **ایریشمی** برای **مردان** در جنگ جایز است؛ لیکن در صحت **نماز** با آن در فرض امکان در آوردن آن، اختلاف است.

[\[۲۲۲\] مستند الشیعة ج ۴، ص ۳۴۳.](#)

[\[۲۲۳\] العروة الوثقی ج ۲، ص ۳۴۳-۳۴۴.](#)

تحکیم در جنگ جایز است؛ بدین صورت که دو طرف درگیر پس از تراضی و توافق روی فردی به عنوان «حکم» متعهد شوند به آنچه وی حکم کند تن دهند.

[\[۲۲۴\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۱۰-۱۱۱.](#)

← غنیمت

اموالی که در جنگ از دشمن به دست مسلمانان می‌رسد، **غنیمت** به شمار می‌رود و با شرایطی بین رزمندگان تقسیم می‌شود.

[\[۲۲۵\] جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۴۷-۱۵۱.](#)

← اسارت

کافری که در حال جنگ به اسارت درآمده، کشته می‌شود؛ اما اگر پس از پایان درگیری **اسیر** گردد بنابر **مشهور** کشته نمی‌شود.

[۲۲۶] **جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۲۲-۱۲۶.**

کشتن باغی‌ای که در حال جنگ اسیر گشته، با داشتن مرکزیت و وجود رهبری که آنان را دوباره سازماندهی و به جنگ با مسلمانان بسیج کند، **جایز** است.

[۲۲۷] **جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۳۲۸.**

← احکام کشته شدگان

رزمندگانی که در میدان نبرد با دشمن کشته شده، **شہید** محسوب می‌شود و حکم آن را دارد؛ بدین معنا که پس از اقامه **نماز** بر پیکرش با لبلس هایش **دفن** می‌گردد. در صورت مشتبه شدن با **کافر**، به قول گروهی آن که آلتش کوچک است، دفن می‌شود. در اینکه این نشانه، تنها برای دفن است یا شامل **نماز** نیز می‌شود، اختلاف است. بنابر قول دوم بر آن که آلتش کوچک است نماز نیز خوانده می‌شود.

[۲۲۸] **مختلف الشیعة ج ۴، ص ۴۵۴-۴۵۵.**

[۲۲۹] **جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۳۳-۱۳۴.**

[۲۳۰] **کلمة التقوی ج ۱، ص ۱۹۹.**

بسیاری گفته‌اند: نماز بر همه به **نیت** نماز بر **مسلمان**، گزارده می‌شود.

[۲۳۱] **المعتبر ج ۱، ص ۳۱۵.**

[۲۳۲] **تذکره الفقهاء ج ۲، ص ۲۳-۲۴.**

[۲۳۳] **ذکر الشیعة ج ۱، ص ۴۰۱.**

[۲۳۴] **روض الجنان ج ۲، ص ۸۱۴.**

[۲۳۵] **مصباح الهدی ج ۶، ص ۳۰.**

برخی نیز برای شناخت مسلمان از کافر، برای دفن، رجوع به **قرعه** را لازم دانسته و گفته‌اند: بر همه آنان یک نماز به نیت نماز بر **مسلمان** خوانده می‌شود.

[۲۳۶] **کتب السرائر ج ۲، ص ۲۰.**

برخی نیز دفن همه را به **احتیاط** و **اجب** دانسته‌اند.

[۲۳۷] **تذکره الفقهاء ج ۲، ص ۲۴.**

← جهاد دفاعی

جهاد دفاعی عبارت است از **بیکار** با هدف دفاع از **اسلام** و سرزمین‌های اسلامی

[۲۳۸] **حسینعلی منتظری، در است فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۱۵، قم ۱۴۰۹، ۱۴۱۱.**

در برابر دشمن مهاجمی که اساس اسلام را تهدید می‌کند یا قصد استیلا بر سرزمین‌های اسلامی و **نموس** و اموال مسلمانان و یا کشتن گروهی از مسلمانان را دارد.

[۲۳۹] **المهذب ج ۱، ص ۲۹۷.**

[۲۴۰] **الروضة النبیة ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲.**

[۲۴۱] **مسالك الأفهام ج ۳، ص ۷-۸.**

[۲۴۲] **دلیل تحریر الوسیلة ج ۳، ص ۱۱۵.**

آیا جهاد دفاعی همان جهاد مصطلح در **شریعت** است تا محکوم به **احکام** آن، از قبیل **جرمت فرار**، تقسیم **غنائم** به کیفیت خاص و غیر آن باشد یا چنین نیست، بلکه از اقسام دفاع است؟ کلمات **فقه** در این باره مختلف است. قول دوم به ظاهر کلمات آنان نسبت داده شده است.

[۲۴۳] **الدروس الشرعیة ج ۲، ص ۳۰.**

[۲۴۴] **جامع الشتلت ج ۱، ص ۳۵۶-۳۵۷.**

ظاهر کلمات گروهی این است که دفاع از موجودیت **اسلام** در برابر تهاجم دشمن، جهاد محسوب می‌شود و معدودی از فقهای تابعی قائل به **وجوب** جهاد نبوده یا آن را **مستحب** شمرده‌اند.

[۲۴۵] **محمد بن احمد شمس‌الائمہ سرخسی، شرح کتب السیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۸۷، چاپ صلاح‌الدین منجد، قاهره ۱۹۷۱.**

[۲۴۶] **محمد نجیب مطیعی، التکملة الثانیة، المجموع شرح المهذب، در یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المهذب، ج ۱۹، ص ۲۶۸، بیروت: دار الفکر.**

[۲۴۷] **وهبه مصطفی زحیلی، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۹۵، پانویس ۱، دمشق ۱۴۰۱/۱۹۸۱.**

← شرایط

برای جهاد دفاعی بسیاری از شرایط منکور از جمله اجازه امام لازم نیست، زیرا دفاع از جان و مال و حیثیت مسلمانان بر هر مسلمانی که توان دفاع دارد، در هر شرایطی واجب است.

[۲۴۸] **محمد نجیب مطیعی، التکملة الثانیة، المجموع شرح المهذب، در یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المهذب، ج ۱۹، ص ۲۶۹، بیروت: دار الفکر.**

[۲۴۹] **حسن بن یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۳۷، قم ۱۴۱۴.**

[۲۵۰] **محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۱۵۱۶، بیروت ۱۹۸۱.**

[۲۵۱] **محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، ص ۶۵۰۶۵۱، بیروت ۱۹۸۱.**

- در منابع فقهی، به استناد احادیث، برخی کارهای مستحب برای جهاد ذکر شده است، از جمله: بالا بردن روحیه نظامی مجاهدان و برقراری نظم میان آنها با قراردادن علائم و پرچم‌هایی برای هر گروه و نیز **تکبیر گفتن** و **رجز خواندن**،
- [۲۵۲] زیدین علی (ع)، مسند الامام زید، ج ۱، ص ۳۵۵، بیروت: دارمکتبه الحیاه.
- [۲۵۳] کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۴.
- [۲۵۴] احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۹، ص ۱۵۳، بیروت ۲۰۰۳/۱۴۲۴.
- [۲۵۵] حسین یوسف علامه حلی، تنکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۵۲، قم ۱۴۱۴.
- [۲۵۶] منصورین یونس بهوتی حنبلی، کشف القناع عن متن الاقناع، ج ۳، ص ۷۲، چاپ محمدحسن شافعی، بیروت ۱۹۹۷/۱۴۱۸.
- آغاز کردن به پیکار پس از بهجا آوردن نماز ظهر
- [۲۵۷] حسین یوسف علامه حلی، تنکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۷۱، قم ۱۴۱۴.
- [۲۵۸] محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۸۱، بیروت ۱۹۸۱.
- [۲۵۹] محمد شوکانی، نیل الاوطار: شرح منقذی الاخبار من احادیث سیدالاحیاء، ج ۸، ص ۶۴، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی (چاپ افست بیروت).
- و خواندن دعاهای مخصوص.
- [۲۶۰] اسماعیل معزی ملایری، جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱۶، ص ۱۹۰-۱۹۹، قم ۱۳۷۱-۱۳۸۳ ش.
- همچنین مجاهدان از آسیب رساندن به طبیعت و کشتن زنان، کودکان و پیران و کارهای ضدانسانی نهی شده‌اند.

پایان جهاد

- جهاد ممکن است از یکی از این راهها به پایان برسد: **اسلام آوردن دشمن در صورتی که جنگ با هدف هدایت آغاز شده باشد**،
- [۲۶۱] محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۹، چاپ محمد ذهنی افندی، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱.
- [۲۶۲] طبری، تفسیر، ذیل فتح: ۱۶.
- پناهندگی افراد دشمن به مسلمانان (امن)، بستن قرارداد موقت ترک **مخاصمه (دنده)** یا مصالحه دانم.

فهرست منابع

- (۱) قرآن.
- (۲) ابن‌اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، چاپ محمود محمد طنحی و طاهر احمد زوی، بیروت ۱۹۶۳/۱۳۸۳، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش.
- (۳) ابن‌جوزی، نواسخ القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۴) ابن‌حزم، المحلی، چاپ احمد مجشاکر، بیروت: دارالافتق الجدیبه.
- (۵) ابن‌حزم، الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم، چاپ عبدالغفار سلیمان بنداری، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶.
- (۶) ابن‌حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر.
- (۷) ابن‌سکیت، ترتیب اصلاح المنطق، چاپ محمدحسن بکائی، مشهد ۱۴۱۲.
- (۸) ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، چاپ سنگی مصر ۱۲۷۱-۱۲۷۲، چاپ افست بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷.
- (۹) ابن‌قدمه، المغنی، بیروت: دارالکتب العربی.
- (۱۰) ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت ۱۴۱۲.
- (۱۱) محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، چاپ محمد ذهنی افندی، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱.
- (۱۲) اسماعیل بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۱-۲، در حاجی‌خلیفه، ج ۳-۴.
- (۱۳) اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱-۲، در حاجی‌خلیفه، ج ۵-۶.
- (۱۴) منصورین یونس بهوتی حنبلی، کشف القناع عن متن الاقناع، چاپ محمدحسن شافعی، بیروت ۱۹۹۷/۱۴۱۸.
- (۱۵) احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، بیروت ۲۰۰۳/۱۴۲۴.
- (۱۶) احمدین علی حصاص، احکام القرآن، چاپ عبدالسلام محمدعلی شاهین، بیروت ۱۹۹۴/۱۴۱۵.
- (۱۷) اسماعیل‌بن حماد جوهری، الصحاح: تاج اللغه و صحاح العربیبه، چاپ احمد عبدالغفور عطار، بیروت بی‌تا، چاپ افست تهران ۱۳۶۸ ش.
- (۱۸) حاجی‌خلیفه، کشف‌الظنون عن اسامی‌الکتب و الفنون.
- (۱۹) حرّ عاملی، وسائل الشیعه.
- (۲۰) احمد عبدالکریم حلوانی، ابن‌عساکر و دوره فی الجهاد ضدالصلیبیین فی عهد الدولتین النوریه و الایوبیه، دمشق ۱۹۹۱.
- (۲۱) علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، کویت ۱۹۹۹/۱۴۱۵.
- (۲۲) خلیل بن احمد، کتب العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم ۱۴۰۵.
- (۲۳) ابوالقاسم خوئی، البین فی تفسیر القرآن، بیروت ۱۹۷۵/۱۳۹۵.
- (۲۴) ابوالقاسم خوئی، منهاج الصالحین، قم ۱۴۱۰.
- (۲۵) رسایل و فتاوی‌ای جهادی، تدوین، تحقیق و تحشیه از محمدحسن رجبی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، ۱۳۷۸ ش.
- (۲۶) محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم المشتهر باسم تفسیر المنار، (تقریرات درس شیخ‌محمد عبده)، مصر، ج ۲، ۱۳۶۷.
- (۲۷) وهبه مصطفی زحیلی، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق ۱۹۸۱/۱۴۰۱.
- (۲۸) زیدین علی (ع)، مسند الامام زید، بیروت: دارمکتبه الحیاه.
- (۲۹) عبدالسلامبن سعید سحنون، المعونه الکبری، التي رواها سحنون بن سعید تنوخی عن عبدالرحمن بن قاسم عن عقی عن مالک بن انس، قاهره ۱۳۲۳، (چاپ افست بیروت).
- (۳۰) عبدالرحمن بن ابی‌بکر سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- (۳۱) محمدین ادریس شافعی، الأم، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳.
- (۳۲) عبدالحمید شروانی، حاشیه‌العلامه الشیخ عبدالحمید الشروانی، در حواشی الشروانی و ابن قاسم العابدی علی تحفه المحتاج بشرح المنهاج، چاپ سنگی مصر ۱۳۱۵، (چاپ افست بیروت: داراحیاء التراث العربی).
- (۳۳) محمدین احمد شمس‌الائمه سرخسی، شرح کتب السیر الکبیر، چاپ صلاح‌الدین منجد، قاهره ۱۹۷۱.
- (۳۴) محمدین احمد شمس‌الائمه سرخسی، کتب المبسوطه، قاهره ۱۳۲۴-۱۳۳۱، چاپ افست استانبول ۱۹۸۳/۱۴۰۳.
- (۳۵) محمد شوکانی، نیل الاوطار: شرح منقذی الاخبار من احادیث سیدالاحیاء، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی، چاپ افست بیروت.
- (۳۶) زین‌الدین بن علی شهیدثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۹.
- (۳۷) طباطبائی، المیزان.

- (٣٨) طبرسى، مجمع البيان.
- (٣٩) طبرى، تفسير.
- (٤٠) محمد بن حسن طوسى، الاقتصاد الهادى الى طريق الرشاد، تهران ١٤٠٠.
- (٤١) محمد بن حسن طوسى، التبيان فى تفسير القرآن، چاپ احمد حبيب قصير عاملى، بيروت.
- (٤٢) محمد بن حسن طوسى، المبسوط فى فقه الاماميه، ج ٢، چاپ محمد تقى كشفى، تهران ١٣٨٧.
- (٤٣) حسن بن يوسف علامه حلى، تذكره الفقهاء، قم ١٤١٤.
- (٤٤) حسن بن يوسف علامه حلى، قواعد الاحكام، قم ١٤١٣-١٤١٩.
- (٤٥) محمد بن حسن فخر المحققين، ايضاح الفوائد فى شرح اشكالات القواعد، چاپ حسين موسى كرماني، على پناه اشتهاردى، و عبدالرحيم بروجردى، قم ١٣٨٧-١٣٨٩، چاپ افست ١٣٤٣ ش.
- (٤٦) محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، بيروت ١٤٠٥/١٩٨٥.
- (٤٧) كليني، الكافي.
- (٤٨) مالكي بن انس، الموطأ، استانبول ١٤٠١/١٩٨١.
- (٤٩) محمد فواد عبدالباقى، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- (٥٠) مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، چاپ محمد فواد عبدالباقى، استانبول ١٤٠١/١٩٨١.
- ٥١- محمد نبيب مطيعى، التكملة الثانيه، المجموع شرح المهذب، در يحيى بن شرف نووى، المجموع شرح المهذب، ج ١٣-٢٠، بيروت: دار الفكر.
- (٥٢) اسماعيل معزى ملايرى، جامع احاديث الشيعة فى احكام الشريعه، قم ١٣٧١-١٣٨٣ ش.
- (٥٣) محمد بن محمد مفيد، المنقعه، قم ١٤١٠.
- (٥٤) محمد عبدالرؤوف بن تاج العارفين مناوى، فيض القدير: شرح الجامع الصغير، بيروت) ١٣٩١/١٩٧٢.
- (٥٥) حسين على منتظرى، دراست فى ولايه الفقيه و فقه النوله الاسلاميه، قم ١٤٠٩ - ١٤١١.
- (٥٦) عيسى بن حسن ميرزا بزرگ قائم مقام، احكام الجهاد و اسباب الرشاد، چاپ غلامحسين زرگرى نژاد، تهران ١٣٨٠ ش.
- (٥٧) احمد بن على نجاشى، فهرست اسماء مصنفى الشيعة المشتهر ب رجال النجاشى، چاپ موسى شيبيرى زنجانى، قم ١٤٠٧.
- (٥٨) محمد حسن بن باقر نجفى، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، بيروت ١٩٨١.
- (٥٩) على بن احمد واحد نيشابورى، اسباب النزول الايت، قاهره ١٣٨٨/١٩٦٨.
- (٦٠) محمد خير هيكل، الجهاد و القتال فى السياسه الشرعيه، بيروت ١٤١٧/١٩٩٦.

پاڻويس

١. [↑](#) [كتب العين، چاپ مهدي مخزومي و ابراهيم سامرائي، قم ١٤٠٥.](#)
٢. [↑](#) ترتيب اصلاح المنطق، چاپ محمد حسن بکاني، مشهد ١٤١٢.
٣. [↑](#) [الصالح تاج اللغة و صحاح العربيه، چاپ احمد عبدالغفور عطار، بيروت \(چاپ افست تهران ١٣٤٨ ش\).](#)
٤. [↑](#) ابن اثير، النهايه فى غريب الحديث و الاثر، ذيل «جهد»، چاپ محمود محمد طناني و طاهر احمد زاوى، بيروت ١٣٨٣/١٩٦٣، چاپ افست قم ١٣٤٤ ش.
٥. [↑](#) [محمد حسن بن باقر نجفى، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، ج ٢١، ص ٣، بيروت ١٩٨١.](#)
٦. [↑](#) ابن عابدين، رد المحتار على الدر المختار، ج ٣، ص ٢١٧، چاپ سنگى مصر ١٢٧١-١٢٧٢، چاپ افست بيروت ١٩٨٧/١٤٠٧.
٧. [↑](#) محمد خير هيكل، الجهاد و القتال فى السياسه الشرعيه، ج ١، ص ٤٤، بيروت ١٤١٧/١٩٩٦.
٨. [↑](#) [جزء عاملى، و مسائل الشيعة، ج ١٥، ص ١٤١.](#)
٩. [↑](#) [محمد حسن بن باقر نجفى، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، ج ٢١، ص ٣٥٠، بيروت ١٩٨١.](#)
١٠. [↑](#) كليني، الكافي، ج ٤، ص ٢٥٩.
١١. [↑](#) [كليني، الكافي، ج ٥، ص ٩١٠.](#)
١٢. [↑](#) [كليني، الكافي، ج ٥، ص ١٢.](#)
١٣. [↑](#) [كليني، الكافي، ج ٥، ص ٦٠.](#)
١٤. [↑](#) [كليني، الكافي، ج ٥، ص ٨٨.](#)
١٥. [↑](#) محمد عبدالرؤوف بن تاج العارفين مناوى، فيض القدير: شرح الجامع الصغير، ج ٣، ص ٣٤٦، بيروت) ١٣٩١/١٩٧٢.
١٦. [↑](#) [جزء عاملى، و مسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٣٤.](#)
١٧. [↑](#) محمد خير هيكل، الجهاد و القتال فى السياسه الشرعيه، ج ١، ص ٤٦-٤٧، بيروت ١٤١٧/١٩٩٦.
١٨. [↑](#) محمد خير هيكل، الجهاد و القتال فى السياسه الشرعيه، ج ١، ص ١٠٩-١١٠، بيروت ١٤١٧/١٩٩٦.
١٩. [↑](#) [مهذب الاحكام ج ١٥، ص ٧٧-٧٨.](#)
٢٠. [↑](#) [عنكبوت/ سور ٢٩، آيه ٤.](#)
٢١. [↑](#) [عنكبوت/ سور ٢٩، آيه ٨.](#)
٢٢. [↑](#) [عنكبوت/ سور ٢٩، آيه ٦٩.](#)
٢٣. [↑](#) [لقمان/ سور ٣١، آيه ١٥.](#)
٢٤. [↑](#) [حج/ سور ٢٢، آيه ٣٩.](#)
٢٥. [↑](#) [حج/ سور ٢٢، آيه ٤٠.](#)
٢٦. [↑](#) على بن احمد واحد نيشابورى، اسباب النزول الايت، ج ١، ص ٢٠٨، قاهره ١٣٨٨/١٩٦٨.
٢٧. [↑](#) طباطبائى، الميزان، ذيل آيت.
٢٨. [↑](#) محمد فواد عبدالباقى، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، ذيل «جهد»، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٢٩. [↑](#) محمد فواد عبدالباقى، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، ذيل «قتل»، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٣٠. [↑](#) [توبه/ سور ٩، آيه ٥.](#)
٣١. [↑](#) [توبه/ سور ٩، آيه ٣٦.](#)
٣٢. [↑](#) [توبه/ سور ٩، آيه ٤١.](#)
٣٣. [↑](#) [ابوالقاسم خوئى، البيان فى تفسير القرآن، ج ١، ص ٣٠٥، بيروت ١٣٩٥/١٩٧٥.](#)

٣٤. [↑ اعراف/سور ٧، آيه ١٩٩.](#)
٣٥. [↑ يقره/سور ٢، آيه ١٠٩.](#)
٣٦. [↑ انعام/سور ٦، آيه ١١٢.](#)
٣٧. [↑ حجر/سور ١٥، آيه ٨٥.](#)
٣٨. [↑ زخرف/سور ٤٣، آيه ٨٩.](#)
٣٩. [↑ ابن حزم، الناسخ و المنسوخ في القرآن الكريم، ج ١، ص ٣٠، چاپ عبدالغفار سليمان بنداري، بيروت ١٩٨٦/١٤٠٦.](#)
٤٠. [↑ ابن حزم، الناسخ و المنسوخ في القرآن الكريم، ج ١، ص ٣٥-٣٤، چاپ عبدالغفار سليمان بنداري، بيروت ١٩٨٦/١٤٠٦.](#)
٤١. [↑ محمد بن حسن طوسي، التبيان في تفسير القرآن، ج ١، ص ٣٣١، چاپ احمد حبيب قصير عاملی، بيروت.](#)
٤٢. [↑ طبرسي، مجمع البيان، ج ١، ص ٤٥٠.](#)
٤٣. [↑ طبرسي، مجمع البيان، ج ٨، ص ١١٤.](#)
٤٤. [↑ ابن جوزي، نواسخ القرآن، ج ١، ص ٢٢٢، بيروت: دارالكتب العلميه.](#)
٤٥. [↑ ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج ٢، ص ٣٥٠، بيروت ١٤١٢.](#)
٤٦. [↑ عبدالرحمن بن ابي بكر سيوطي، الاتقان في علوم القرآن، ج ٢، ص ٢٩، بيروت: دارالمعرفه.](#)
٤٧. [↑ محمد رشيد رضا، تفسير القرآن الحكيم المشتهر باسم تفسير المنار، \(تقريرات درس شيخ محمد عبده\)، ج ٢، ص ٢١٥، مصر ١٣٦٧.](#)
٤٨. [↑ ابوالقاسم خوني، البيان في تفسير القرآن، ج ١، ص ٣٠٥، بيروت ١٩٧٥/١٣٩٥.](#)
٤٩. [↑ ابوالقاسم خوني، البيان في تفسير القرآن، ج ١، ص ٣٥٣، بيروت ١٩٧٥/١٣٩٥.](#)
٥٠. [↑ طباطبائي، الميزان، ج ٢، ص ٣٢٤.](#)
٥١. [↑ حجر/سور ١٥، آيه ٨٥.](#)
٥٢. [↑ وهبه مصطفى زحيلي، آثار الحرب في الفقه الاسلامي، ج ١، ص ١١٤-١٢٠، دمشق ١٩٨١/١٤٠١.](#)
٥٣. [↑ نساء/سور ٤، آيه ٩٥.](#)
٥٤. [↑ عنكبوت/سور ٢٩، آيه ٦٩.](#)
٥٥. [↑ توبه/سور ٩، آيه ٢٠.](#)
٥٦. [↑ توبه/سور ٩، آيه ٢١.](#)
٥٧. [↑ آل عمران/سور ٣، آيه ١٦٩.](#)
٥٨. [↑ توبه/سور ٩، آيه ٢٤.](#)
٥٩. [↑ آل عمران/سور ٣، آيه ١٢٦.](#)
٦٠. [↑ انفال/سور ٨، آيه ١٠.](#)
٦١. [↑ انفال/سور ٨، آيه ١٥١٦.](#)
٦٢. [↑ انفال/سور ٨، آيه ٤٤٤٦.](#)
٦٣. [↑ انفال/سور ٨، آيه ٦٥٦٦.](#)
٦٤. [↑ آل عمران/سور ٣، آيه ١٢٣١٢٥.](#)
٦٥. [↑ احزاب/سور ٣٣، آيه ٩-١٠.](#)
٦٦. [↑ توبه/سور ٩، آيه ٢٦.](#)
٦٧. [↑ آل عمران/سور ٣، آيه ١٢٦.](#)
٦٨. [↑ انفال/سور ٨، آيه ١٢.](#)
٦٩. [↑ احزاب/سور ٣٣، آيه ٢٦.](#)
٧٠. [↑ ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ١، ص ١٤، بيروت: دارصادر.](#)
٧١. [↑ ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ٣، ص ١٢٦، بيروت: دارصادر..](#)
٧٢. [↑ محمد بن اسماعيل بخاري، صحيح البخاري، ج ١، ص ١٢، چاپ محمد ذهني افندي، استانبول ١٩٨١/١٤٠١.](#)
٧٣. [↑ محمد بن اسماعيل بخاري، صحيح البخاري، ج ٦، ص ١٥، چاپ محمد ذهني افندي، استانبول ١٩٨١/١٤٠١.](#)
٧٤. [↑ مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، ج ١، ص ٨٨، چاپ محمد فواد عبدالباقي، استانبول ١٩٨١/١٤٠١.](#)
٧٥. [↑ مالکين انس، الموطأ، ج ٢، ص ٤٤٣-٤٤٥، استانبول ١٩٨١/١٤٠١.](#)
٧٦. [↑ كليني، الكافي، ج ٥، ص ٢.](#)
٧٧. [↑ كليني، الكافي، ج ٥، ص ٤.](#)
٧٨. [↑ كليني، الكافي، ج ٥، ص ٥٣.](#)
٧٩. [↑ حاجي خليفه، كشف الظنون عن اسامي الكتب و الفنون، ج ١، ستون ٥٦.](#)
٨٠. [↑ اسماعيل بغدادی، ايضاح المكنون، ج ١، ستون ٢٥١، در حاجي خليفه، ج ٣-٤.](#)
٨١. [↑ اسماعيل بغدادی، ايضاح المكنون، ج ١، ستون ٢٨٢، در حاجي خليفه، ج ٣-٤.](#)
٨٢. [↑ اسماعيل بغدادی، ايضاح المكنون، ج ٢، ستون ١٩٦، در حاجي خليفه، ج ٣-٤.](#)
٨٣. [↑ اسماعيل بغدادی، ايضاح المكنون، ج ٢-١، در حاجي خليفه، ج ٣-٤.](#)
٨٤. [↑ اسماعيل بغدادی، هديه العارفين، ج ١، ستون ١٩٢، در حاجي خليفه، ج ٥-٦.](#)
٨٥. [↑ اسماعيل بغدادی، هديه العارفين، ج ١، ستون ٢٦٤، در حاجي خليفه، ج ٥-٦.](#)
٨٦. [↑ اسماعيل بغدادی، ايضاح المكنون، ج ٢، ستون ١٢٣، در حاجي خليفه، ج ٣-٤.](#)
٨٧. [↑ \[http://lib.eshia.ir/110191/349\] الغزو زيد بن علي \(ع\)، مسند الامام زيد، ج ١، ص ٣٤٩-٣٦٢، بيروت: دارمكتبه الحياه.](#)
٨٨. [↑ محمد بن ادريس شافعي، الأم، ج ٤، ص ١٦٧-٣١٣، بيروت ١٩٨٣/١٤٠٣.](#)
٨٩. [↑ عبدالسلام بن سعيد سحنون، المدونه الكبرى، ج ٢، ص ٥٠-٢، التي رواها سحنون بن سعيد تنوخي عن عبدالرحمن بن قاسم عتقي عن مالکين انس، قاهره ١٣٢٣، \(چاپ افست بيروت\).](#)
٩٠. [↑ مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، ج ٢، ص ١٣٥٦-١٤٥٠، چاپ محمد فواد عبدالباقي، استانبول ١٩٨١/١٤٠١.](#)

۹۱. ↑ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۵۵.
۹۲. ↑ محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲۷۵، ج ۲، چاپ محقق کشفی، تهران ۱۳۸۷.
۹۳. ↑ ابن حزم، المحلی، ج ۷، ص ۲۹۱-۳۵۴، چاپ احمد محمدشاکر، بیروت: دار الافاق الجدیده.
۹۴. ↑ محمد بن احمد شمس الانمه سرخسی، کتاب المبسوط، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۳۲۴-۱۳۳۱، چاپ افست استانبول ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
۹۵. ↑ ابن قدامه، المغنی، ج ۱۰، ص ۳۶۴-۶۳۵، بیروت: دار الکتب العربی.
۹۶. ↑ حسین بن یوسف علامه حلّی، تنکره الفقهاء، ج ۹، ص ۴۵۱، قم ۱۴۱۴.
۹۷. ↑ محمد عبدالرووفین تاج العارفين مناوی، فیض القدير: شرح الجامع الصغیر، ج ۴، ص ۱۸، بیروت ۱۳۹۱/۱۹۷۲.
۹۸. ↑ محمد بن احمد شمس الانمه سرخسی، شرح کتاب السیر الکبیر، ج ۱، مقدمه منجد، ص ۱۴، چاپ صلاح الدین منجد، قاهره ۱۹۷۱.
۹۹. ↑ محمد بن احمد شمس الانمه سرخسی، کتاب المبسوط، ج ۱، ص ۲، قاهره ۱۳۲۴-۱۳۳۱، چاپ افست استانبول ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
۱۰۰. ↑ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر ب رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۵۲، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.
۱۰۱. ↑ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر ب رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۵۴، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.
۱۰۲. ↑ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر ب رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۷۵، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.
۱۰۳. ↑ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر ب رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۸۸، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.
۱۰۴. ↑ اسماعیل بغدادی، هدیة العارفين، ج ۱، ستون ۵، در حاجی خلیفه، ج ۶-۵.
۱۰۵. ↑ اسماعیل بغدادی، هدیة العارفين، ج ۱، ستون ۶۸، در حاجی خلیفه، ج ۶-۵.
۱۰۶. ↑ اسماعیل بغدادی، هدیة العارفين، ج ۱، ستون ۲۴۸، در حاجی خلیفه، ج ۶-۵.
۱۰۷. ↑ اسماعیل بغدادی، هدیة العارفين، ج ۱، ستون ۴۳۸، در حاجی خلیفه، ج ۶-۵.
۱۰۸. ↑ اسماعیل بغدادی، هدیة العارفين، ج ۱، ستون ۵۸۹، در حاجی خلیفه، ج ۶-۵.
۱۰۹. ↑ اسماعیل بغدادی، هدیة العارفين، ج ۱، ستون ۶۱۸، در حاجی خلیفه، ج ۶-۵.
۱۱۰. ↑ اسماعیل بغدادی، هدیة العارفين، ج ۱، ستون ۷۰۶، در حاجی خلیفه، ج ۶-۵.
۱۱۱. ↑ اسماعیل بغدادی، هدیة العارفين، ج ۲، ستون ۲۴، در حاجی خلیفه، ج ۶-۵.
۱۱۲. ↑ اسماعیل بغدادی، هدیة العارفين، ج ۲، ستون ۵۲، در حاجی خلیفه، ج ۶-۵.
۱۱۳. ↑ محمد بن محمد مفید، المقنعه، ج ۱، ص ۸۱، ۸۱۲، ۸۱۰، قم ۱۴۱۰.
۱۱۴. ↑ عیسی بن حسن میرزا بزرگ قائم مقام، احکام الجهاد و اسباب الرشاد، ج ۱، ص ۶۲، چاپ غلامحسین زرگری نژاد، تهران ۱۳۸۰ ش.
۱۱۵. ↑ عیسی بن حسن میرزا بزرگ قائم مقام، احکام الجهاد و اسباب الرشاد، ج ۱، ص ۷۴، چاپ غلامحسین زرگری نژاد، تهران ۱۳۸۰ ش.
۱۱۶. ↑ عیسی بن حسن میرزا بزرگ قائم مقام، احکام الجهاد و اسباب الرشاد، ج ۱، ص ۷۶، چاپ غلامحسین زرگری نژاد، تهران ۱۳۸۰ ش.
۱۱۷. ↑ رسایل و فتاوی جهادی، تدوین، ج ۱، ص ۲۰-۳۵۱، تحقیق و تشبیه از محسن ربی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، ۱۳۷۸ ش.
۱۱۸. ↑ احمد عبدالکریم حلوانی، ابن عساکر و دوره فی الجهاد ضد الصلیبیین فی عهد الدولتین النوریة و الایوبیة، ج ۱، ص ۱۱-۱۳، دمشق ۱۹۹۱.
۱۱۹. ↑ ابن حمزة الطوسی، الوسيلة، ج ۱، ص ۱۹۹.
۱۲۰. ↑ الجامع للشرایع ص ۲۳۳.
۱۲۱. ↑ تنکره الفقهاء، ج ۹، ص ۱۹-۲۰.
۱۲۲. ↑ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲.
۱۲۳. ↑ مسالک الأفهام، ج ۳، ص ۷-۸.
۱۲۴. ↑ الحدائق الناضرة، ج ۳، ص ۴۱۵.
۱۲۵. ↑ حسینعلی منتظری، در اسلّت فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، ج ۱، ص ۱۱۵، قم ۱۴۰۹، ۱۴۱۱.
۱۲۶. ↑ محمد بن ادریس شافعی، الأم، ج ۴، ص ۱۷۰، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
۱۲۷. ↑ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۲۳.
۱۲۸. ↑ محمد بن احمد شمس الانمه سرخسی، شرح کتاب السیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۸۹، چاپ صلاح الدین منجد، قاهره ۱۹۷۱.
۱۲۹. ↑ سداد العباد ص ۴۰۹.
۱۳۰. ↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۹۳.
۱۳۱. ↑ انفال/سور ۸، آیه ۳۹.
۱۳۲. ↑ احمد بن علی جصاص، احکام القرآن، ج ۳، ص ۶۵، چاپ عبدالسلام محمدعلی شاهین، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۴.
۱۳۳. ↑ محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ذیل بقره: ۱۹۳، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
۱۳۴. ↑ طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۶۳.
۱۳۵. ↑ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۳.
۱۳۶. ↑ محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۸، چاپ محقق کشفی، تهران ۱۳۸۷.
۱۳۷. ↑ محمد بن حسن طوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، ج ۱، ص ۲۹۰، تهران ۱۴۰۰.
۱۳۸. ↑ زین الدین علی شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۹، قم ۱۴۱۳/۱۴۱۹.
۱۳۹. ↑ محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۱۱، بیروت ۱۹۸۱.
۱۴۰. ↑ زین الدین علی شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۹، قم ۱۴۱۳/۱۴۱۹.
۱۴۱. ↑ محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۱۱، بیروت ۱۹۸۱.
۱۴۲. ↑ ابو القاسم خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۶۴، قم ۱۴۱۰.
۱۴۳. ↑ حسینعلی منتظری، در اسلّت فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، ج ۱، ص ۱۱۵، قم ۱۴۰۹، ۱۴۱۱.
۱۴۴. ↑ علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۳۳۱، کویت ۱۴۱۵/۱۹۹۹.
۱۴۵. ↑ عیسی بن حسن میرزا بزرگ قائم مقام، احکام الجهاد و اسباب الرشاد، ج ۱، ص ۶۶، چاپ غلامحسین زرگری نژاد، تهران ۱۳۸۰ ش.
۱۴۶. ↑ حسینعلی منتظری، در اسلّت فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، ج ۱، ص ۱۱۸، قم ۱۴۰۹، ۱۴۱۱.
۱۴۷. ↑ احمد بن علی جصاص، احکام القرآن، ج ۳، ص ۱۵۴، چاپ عبدالسلام محمدعلی شاهین، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۴.

١٤٨. ↑ محمد بن احمد شمس الانمه سرخسي، شرح كتآب السبر الكبير، ج ١، ص ١٥٦-١٥٧، آآب صلاح الدين منآء، قاهره ١٩٧١.
١٤٩. ↑ ابن قدامه، المغني، ج ١٠، ص ٣٧١، بيروت: دار الکتب العربي.
١٥٠. ↑ محمد شوکاني، نيل الاوطار: شرح منآق الاخبار من احاديآ سيدا الاخبار، ج ٧، ص ٢٤٢-٢٤٣، مصر: شركة مكتبه و مطبعه مصطفى البابي الحلبي (آب افست بيروت).
١٥١. ↑ محمد نجيب مطيعي، التكملة الثانيه، المجموع شرح المهآب، در يحيى بن شرف نوي، المجموع شرح المهآب، ج ١٩، ص ٢٦٩، بيروت: دار الفكر.
١٥٢. ↑ ٢٧٧، عبدالحميد شرواني، حاشيه علامه الشيخ عبدالحميد الشرواني، در حواشي الشرواني و ابن قاسم العابدي على تحفه المحتاج بشرح المنهاج، ج ٩، ص ٢٣٧، آب سنگي مصر ١٣١٥، آب افست بيروت (: دار احياء التراث العربي).
١٥٣. ↑ وهبه مصطفى زحيلي، ج ١، ص ٩٠، آثار الحرب في الفقه الاسلامي، دمشق ١٤٠١/١٩٨١.
١٥٤. ↑ وهبه مصطفى زحيلي، ج ١، ص ٩٧، آثار الحرب في الفقه الاسلامي، دمشق ١٤٠١/١٩٨١.
١٥٥. ↑ محمد بن ادريس شافعي، الأم، ج ٤، ص ١٧٧، بيروت ١٩٨٣/١٤٠٣.
١٥٦. ↑ محمد نجيب مطيعي، التكملة الثانيه، المجموع شرح المهآب، در يحيى بن شرف نوي، المجموع شرح المهآب، ج ١٩، ص ٢٨٥-٢٨٧، بيروت: دار الفكر.
١٥٧. ↑ محمد بن حسن فخر المحققين، ايضاح القوائد في شرح اشكالات القواعد، ج ١، ص ٣٥٤، آب حسين موسوي كرماني، على پناه اشتهار دي، و عبدالرحيم بروجردي، قم ١٣٨٩/١٣٨٧، آب افست ١٣٦٣ ش.
١٥٨. ↑ محمد بن باقر نجفي، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ٢١، ص ٥١، بيروت ١٩٨١.
١٥٩. ↑ ابو القاسم خوني، منهاج الصالحين، ج ١، ص ٣٦٩، قم ١٤١٠.
١٦٠. ↑ محمد بن حسن طوسي، المبسوط في فقه الاماميه، ج ٢، ص ١٠، آب محمد بن قتيبي كشي، تهران ١٣٨٧.
١٦١. ↑ ابن قدامه، المغني، ج ١٠، ص ٣٦٨-٣٦٧، بيروت: دار الکتب العربي.
١٦٢. ↑ محمد نجيب مطيعي، التكملة الثانيه، المجموع شرح المهآب، در يحيى بن شرف نوي، المجموع شرح المهآب، ج ١٩، ص ٢٦٦، بيروت: دار الفكر.
١٦٣. ↑ حسين بن يوسف علامه حلبي، قواعد الاحكام، ج ١، ص ٤٧٧، قم ١٤١٣/١٩١٩.
١٦٤. ↑ محمد بن باقر نجفي، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ٢١، ص ٤٩، بيروت ١٩٨١.
١٦٥. ↑ محمد بن باقر نجفي، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ٢١، ص ٧٣، بيروت ١٩٨١.
١٦٦. ↑ ابو القاسم خوني، منهاج الصالحين، ج ١، ص ٣٧١، قم ١٤١٠.
١٦٧. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٥.
١٦٨. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٩-١٠.
١٦٩. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ١٤.
١٧٠. ↑ محمد بن حسن طوسي، المبسوط في فقه الاماميه، ج ٢، ص ٢، آب محمد بن قتيبي كشي، تهران ١٣٨٧.
١٧١. ↑ محمد نجيب مطيعي، التكملة الثانيه، المجموع شرح المهآب، در يحيى بن شرف نوي، المجموع شرح المهآب، ج ١٩، ص ٢٦٧، بيروت: دار الفكر.
١٧٢. ↑ محمد نجيب مطيعي، التكملة الثانيه، المجموع شرح المهآب، در يحيى بن شرف نوي، المجموع شرح المهآب، ج ١٩، ص ٢٧٧، بيروت: دار الفكر.
١٧٣. ↑ حسين بن يوسف علامه حلبي، تنكره الفقهاء، ج ٩، ص ٨، قم ١٤١٤.
١٧٤. ↑ ابن قدامه، المغني، ج ١٠، ص ٣٦٤، بيروت: دار الکتب العربي.
١٧٥. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٤٦.
١٧٦. ↑ كشف الرموز ج ١، ص ٤١٨-٤٢٢.
١٧٧. ↑ المهآب البار ج ٢، ص ٣٠٠-٣١٠.
١٧٨. ↑ رياض المسائل ج ٧، ص ٤٥٦.
١٧٩. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٥-٩.
١٨٠. ↑ محمد بن حسن طوسي، المبسوط في فقه الاماميه، ج ٢، ص ٢، آب محمد بن قتيبي كشي، تهران ١٣٨٧.
١٨١. ↑ محمد بن حسن طوسي، المبسوط في فقه الاماميه، ج ٢، ص ٤٥، آب محمد بن قتيبي كشي، تهران ١٣٨٧.
١٨٢. ↑ ابن قدامه، المغني، ج ١٠، ص ٣٦٧-٣٦٦، بيروت: دار الکتب العربي.
١٨٣. ↑ محمد نجيب مطيعي، التكملة الثانيه، المجموع شرح المهآب، در يحيى بن شرف نوي، المجموع شرح المهآب، ج ١٩، ص ٢٧٠-٢٧٢، بيروت: دار الفكر.
١٨٤. ↑ ابو القاسم خوني، منهاج الصالحين، ج ١، ص ٣٦٣-٣٦٢، قم ١٤١٠.
١٨٥. ↑ محمد نجيب مطيعي، التكملة الثانيه، المجموع شرح المهآب، در يحيى بن شرف نوي، المجموع شرح المهآب، ج ١٩، ص ٢٧٤-٢٧٦، بيروت: دار الفكر..
١٨٦. ↑ حسين بن يوسف علامه حلبي، تنكره الفقهاء، ج ٩، ص ٢٧-٣٣، قم ١٤١٤.
١٨٧. ↑ محمد بن باقر نجفي، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ٢١، ص ٢١٢٦، بيروت ١٩٨١.
١٨٨. ↑ ابو القاسم خوني، منهاج الصالحين، ج ١، ص ٣٦٧-٣٦٦، قم ١٤١٠.
١٨٩. ↑ محمد نجيب مطيعي، التكملة الثانيه، المجموع شرح المهآب، در يحيى بن شرف نوي، المجموع شرح المهآب، ج ١٩، ص ٢٨٠، بيروت: دار الفكر.
١٩٠. ↑ حسين بن يوسف علامه حلبي، تنكره الفقهاء، ج ٩، ص ٥٤٧، قم ١٤١٤.
١٩١. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ١٣-١٤.
١٩٢. ↑ صراط النجاه ج ٣، ص ٣٥٩.
١٩٣. ↑ اجوبة الإستفتاءات ج ١، ص ٣٣١.
١٩٤. ↑ محمد بن حسن طوسي، المبسوط في فقه الاماميه، ج ٢، ص ٣، آب محمد بن قتيبي كشي، تهران ١٣٨٧.
١٩٥. ↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ذيل بقرة: ٩٠، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.
١٩٦. ↑ ابو القاسم خوني، منهاج الصالحين، ج ١، ص ٣٦٩-٣٦٨، قم ١٤١٠.
١٩٧. ↑ احمد بن علي جصاص، احكام القرآن، ج ١، ص ٣٩٠، آب عبدالسلام محمدعلي شاهين، بيروت ١٩٩٤/١٤١٥.
١٩٨. ↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ٢، ص ٣٥١، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.
١٩٩. ↑ ابن جوزي، نواسخ القرآن، ج ١، ص ٧٤-٧٢، بيروت: دار الکتب العلميه.
٢٠٠. ↑ حسين بن يوسف علامه حلبي، تنكره الفقهاء، ج ٩، ص ٩، قم ١٤١٤.
٢٠١. ↑ ابو القاسم خوني، منهاج الصالحين، ج ١، ص ٣٦٩، قم ١٤١٠.
٢٠٢. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٣٢-٣٤.
٢٠٣. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٤٩.

٢٠٤. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٥٦.
٢٠٥. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٦١.
٢٠٦. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٥٠.
٢٠٧. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٥١-٥٤.
٢٠٨. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٨١-٨٢.
٢٠٩. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٨٥-٨٦.
٢١٠. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٦٦-٦٨.
٢١١. ↑ إشارة السبق ص ١٤٣.
٢١٢. ↑ إصباح الشيعة ص ١٨٩.
٢١٣. ↑ الروضة البهية ج ٢، ص ٣٩٢.
٢١٤. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٦٨.
٢١٥. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٧٣-٧٧.
٢١٦. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٧٧-٧٨.
٢١٧. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٧٨-٧٩.
٢١٨. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٨٢-٨٥.
٢١٩. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ١٩٣-١٩٤.
٢٢٠. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ١١٧-١١٨.
٢٢١. ↑ كشف الغطاء ج ٤، ص ٣٧٣.
٢٢٢. ↑ مستند الشيعة ج ٤، ص ٣٤٣.
٢٢٣. ↑ العروة الوثقى ج ٢، ص ٣٤٣-٣٤٤.
٢٢٤. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ١١٠-١١١.
٢٢٥. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ١٤٧-١٥١.
٢٢٦. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ١٢٢-١٢٤.
٢٢٧. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ٣٢٨.
٢٢٨. ↑ مختلف الشيعة ج ٤، ص ٤٥٤-٤٥٥.
٢٢٩. ↑ جواهر الكلام ج ٢١، ص ١٣٣-١٣٤.
٢٣٠. ↑ كلمة التقوى ج ١، ص ١٩٩.
٢٣١. ↑ المعتمد ج ١، ص ٣١٥.
٢٣٢. ↑ تنكرة الفقهاء ج ٢، ص ٢٣-٢٤.
٢٣٣. ↑ نكزى الشيعة ج ١، ص ٤٠١.
٢٣٤. ↑ روض الجنان ج ٢، ص ٨١٤.
٢٣٥. ↑ مصباح الهدى ج ٦، ص ٣٠.
٢٣٦. ↑ كتب السرائر ج ٢، ص ٢٠.
٢٣٧. ↑ تنكرة الفقهاء ج ٢، ص ٢٤.
٢٣٨. ↑ حسينعلي منتظري، دراسات في ولايه الفقيه و فقه الدوله الاسلاميه، ج ١، ص ١١٥، قم ١٤٠٩/١٤١١.
٢٣٩. ↑ المهذب ج ١، ص ٢٩٧.
٢٤٠. ↑ الروضة البهية ج ٢، ص ٣٨١-٣٨٢.
٢٤١. ↑ مسالك الأفهام ج ٣، ص ٧-٨.
٢٤٢. ↑ دليل تحرير الوسيلة ج ٣، ص ١١٥.
٢٤٣. ↑ الدرر السريعة ج ٢، ص ٣٠.
٢٤٤. ↑ جامع الشتات ج ١، ص ٣٥٦-٣٥٧.
٢٤٥. ↑ محمد بن احمد شمس الانمه سرخسي، شرح كتاب السير الكبير، ج ١، ص ١٨٧، چاپ صلاح الدين منجد، قاهره ١٩٧١.
٢٤٦. ↑ محمد نجيب مطيعي، التكملة الثانيه، المجموع شرح المهذب، در يحيى بن شرف نووي، المجموع شرح المهذب، ج ١٩، ص ٢٦٨، بيروت: دار الفكر.
٢٤٧. ↑ وهبه مصطفى زحيلي، آثار الحرب في الفقه الاسلامي، ج ١، ص ٩٥، پانويس ١، دمشق ١٩٨١/١٤٠١.
٢٤٨. ↑ محمد نجيب مطيعي، التكملة الثانيه، المجموع شرح المهذب، در يحيى بن شرف نووي، المجموع شرح المهذب، ج ١٩، ص ٢٦٩، بيروت: دار الفكر.
٢٤٩. ↑ حسن بن يوسف علامه حلي، تنكره الفقهاء، ج ٩، ص ٣٧، قم ١٤١٤.
٢٥٠. ↑ محمد حسن بن باقر نجفي، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ٢١، ص ١٥١٦، بيروت ١٩٨١.
٢٥١. ↑ محمد حسن بن باقر نجفي، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ٤١، ص ٦٥٠، ٦٥١، بيروت ١٩٨١.
٢٥٢. ↑ زيبدين علي (ع)، مسند الامام زيد، ج ١، ص ٣٥٥، بيروت: دار مكتبه الحياه.
٢٥٣. ↑ كليني، الكافي، ج ٥، ص ٣٤.
٢٥٤. ↑ احمد بن حسين بيهقي، السنن الكبرى، ج ٩، ص ١٥٣، بيروت ٢٠٠٣/١٤٢٤.
٢٥٥. ↑ حسن بن يوسف علامه حلي، تنكره الفقهاء، ج ٩، ص ٥٢، قم ١٤١٤.
٢٥٦. ↑ منصور بن يونس بهوتي حنبلي، كتشاف القناع عن متن الاقناع، ج ٣، ص ٧٢، چاپ محمدحسن شافعي، بيروت ١٩٩٧/١٤١٨.
٢٥٧. ↑ حسن بن يوسف علامه حلي، تنكره الفقهاء، ج ٩، ص ٧١، قم ١٤١٤.
٢٥٨. ↑ محمد حسن بن باقر نجفي، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ٢١، ص ٨١، بيروت ١٩٨١.
٢٥٩. ↑ محمد شوكتاني، نيل الاوطار: شرح منتقى الاخبار من احاديث سيدالخير، ج ٨، ص ٦٤، مصر: شركه مكتبه و مطبعه مصطفى البابي الحلبي (چاپ افست بيروت).
٢٦٠. ↑ اسماعيل معزى ملايرى، جامع احاديث الشيعة في احكام الشريعه، ج ١٦، ص ١٩٠-١٩٩، قم ١٣٧١-١٣٨٣ ش.

۲۶۱. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۹، چاپ محمد زهنی افندی، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱.
۲۶۲. طبری، تفسیر، ذیل فتح: ۱۶.

منبع

[دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «جهاد»، شماره ۵۲۵۰.](#)
[فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۳۹-۱۴۵.](#)

رده‌های این صفحه: [اصطلاحات فقهی](#) | [اصطلاحات اسلامی](#) | [فروع دین](#) | [واجبات کفایی](#)